

أَنْ يَا تَقِيُّ قَدْ فَسَّرْتَ مَا فَسَّرْتَ فِيمَا أُرِدْتَ فِي قيامك لدی...

حضرت بهاء الله



من آثار حضرة بهاء الله - لثالث الحکمة، المجلد 3، لوح رقم (156)

أَنْ يَا تَقِيُّ قَدْ فَسَّرْتَ مَا فَسَّرْتَ فِيمَا أُرِدْتَ فِي قِيَامِكَ لَدَى الْبَابِ وَحُضُورِكَ فِي مَقَاعِدِ الْعَظَمَةِ عَنْ يَمِينِ دَوْحَةِ
الْبَقَا فِيمَا غَرَسْتَ عَلَى شَاطِئِ الْهُويَّةِ رَفْرَفَ الْعَمَاءِ، وَتَمَّتْ كَلِمَاتُ رَبِّكَ فِي جَوْ هَذِهِ الْإِشَارَاتِ وَحَدَّدْتَ مَعَانِي
نِعْمَةِ بَارِتِكَ فِي بَاطِنِ هَذِهِ الدَّلَالَاتِ، وَأَنَّكَ أَنْتَ فَاشْهَدْ لِنَفْسِكَ كَمَا شَهِدْتَ حِينَئِذٍ لَكَ بِأَنَّكَ أَطَعْتَ اللَّهَ فِي كُلِّ
شَأْنٍ وَمَا عَصَيْتَهُ وَلَنْ تَعْصِيَهُ إِنْ شَاءَ وَأَرَادَ وَسَيُظْهِرُ عَلَيْكَ مَا سَتَرَ فِي قَلْبِكَ وَيَنْزِلُ عَلَيْكَ مَا قَدَّرَ لَكَ إِذْ بِيَدِهِ
مَلَكَوَتُ الْعِزَّةِ وَالْقُدْرَةِ وَإِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَعْنِي گوشهء میخانهء محبت الهی آرامگاه منزل جان است زیرا
که جان رقیق لطیف جز در هوای جانان طیر نماید و غیر محفل دوست مقرری نیابد، و شکر این ساقی خمر بقا را
باید در جمیع اوقات بتمام جان و روان قیام و اقدام نمود، و معنی این شکر شکرایی است که گوشهء جمال ظاهرهء
چنک و بریط ظاهری پاک سازد تا از نواهای قدس معنوی ادراک نماید، و چشم را از ملاحظهء جمال ظاهرهء
مکدره منع نماید تا از مشاهدهء جمال هویه نصیب بر دارد، فرخنده گوشهء که از این شاهباز هوای الهی شهنواز
ملکوتی را استماع فرماید و از این طلعت عراقی نواهای عزّ حجازی بشنود تا همهء جسمش جان شود و تمام
جسدش منزل و مقر جانان گردد، و لکن قسم بخدا نمیشنود احدی و ادراک نمینماید نفسی زیرا که این مزمار
احدی را مضربی از جوهر روح باید و این چنک صمدیه را آهنگ نور شاید نه این نفوس بعیده که هرگز از خمر
قرب نه چشیده اند و شراب وصال را از زلال چشمهء بیمثال نوشیده اند، جز هوای صرف خیالی ندارند و جز
فنای بخت بقائی نیابند، مملوک نفس شده اند و از مالک الملوک باز مانده اند و عبد جسد گشته اند و از مولی
الموالی غافل و محبوب شده، و لکن ای تقی نسیم محبت تو از اوراد صبحگاهی نیکوتر است و نگاه تو از عذر



TABLET

خواهی محبوب تر، اراده شد که جمیع این مراتب را شرحی ذکر شود و لکن قُضِيَ مَا أَمْضَى وَلِذَا تَمَّ وَانْتَهَى،
چه اگر کُلُّ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ از حجاب فارغ شوند همین صفحه جمیعرا کفایت مینماید و تمام معانی از جواهر
روحانی در این بحر الهی مستور شده، نخر عبادیرا که فائز بشوند باخذ لثالی آن.